

فرائس کافکا

❖
مسخ

و داستان‌های دیگر

❖

ترجمه‌ی صادق هدایت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیام کافک
۶۵	مسخ
۱۳۵	گروه محکومین
۱۷۷	گراکوس و شکارچی
۱۸۷	مهمان مردگان
۱۹۴	تفسیری دربارهٔ مهمان مردگان
۱۹۹	جلو قانون
۲۰۳	شغال و عرب
۲۰۹	شمشیر
۲۱۱	تفسیری دربارهٔ شمشیر
۲۱۴	در کنیسهٔ ما
۲۲۰	تفسیری دربارهٔ کنیسهٔ ما

پیام کافکا

حسن قائمیان

نویسندگان کمیابی هستند که برای نخستین بار سبک و فکر و موضوع تازه‌ای را به میان می‌کشند؛ به خصوص معنی جدیدی برای زندگی می‌آورند که پیش از آنها وجود نداشته است. کافکا یکی از هنرمندترین نویسندگان این دسته به‌شمار می‌آید.

خواننده‌ای که با دنیای کافکا سروکار پیدا می‌کند؛ درحالی که خرد و خیره شده، به‌سویش کشیده می‌شود. همین که از آستانه دنیایش گذشت؛ تأثیر آن را در زندگی خود حس می‌کند و پی می‌برد که دنیا آنقدر بن‌بست هم نبوده است. کافکا از دنیایی با ما سخن می‌گوید که تاریک و درهم‌پیچیده می‌نماید؛ به طوری که در وهله اول نمی‌توانیم با مقیاسهای خودمان آن را بسنجیم. در آن از چه گفتگو می‌شود، از لایتناهی؟ خدا؟ جن و پری؟! نه، این حرفها در کار نیست. موضوعهای بسیار ساده و پیش‌پاافتاده زندگی روزانه خودمان است با آدمهای معمولی، با کارمندان اداره و روبرو می‌شویم که همان وسواسها و گرفتاریهای خودمان را دارند، به زبان ما حرف می‌زنند و همه چیز جریان طبیعی خود را سیر می‌کند؛ ولیکن، ناگهان احساس دلهره‌آوری یخه‌مان را می‌گیرد! همه چیزهایی که برای ما جدی و منطقی و عادی بود، یکباره معنی خود را گم می‌کنند، عقریب ساعت جور دیگر به کار می‌افتد، مسافتها به اندازه‌گیری ما جور در نمی‌آید، هوارقیق می‌شود و نفسمان پس می‌زند. آیا برای اینکه منطقی نیست؟ برعکس همه چیز دلیل و برهان دارد، یک جور دلیل وارونه؛ منطقی